

اشاره:

سال و ماه و روزی نیست که موج حملات و شبهات به سمت باورهای دینی مردم نشانه نرود. این مسأله در مورد ماه‌های خاصی همچون محرم و صفر و ماه رمضان کوپن دو قبضه دارد! شبهات از پیش تعیین شده خاصی که بیشتر به لطف شباهت دارند، در این ایام از اتاق فکر جریانات خاص فکری بیرون می‌آیند. در این بین، بحث نذری دادن‌ها هم از این داستان مستثنی نبود. شبهاتی که این طیف انحرافی تلاش داشتند در مورد پخش کردن نذری در این ماه ایجاد کنند، واقعا برای خودش زنگ تفریح و لطایفی شد که با پخش شدن‌شان در شبکه‌های اجتماعی، بیشتر موجبات رقم خوردن لحظاتی فرح بخش برای مخاطبان این شبکه‌های اجتماعی شد تا بیش از پیش روشن شود که پشت این شبهه‌افکنی‌ها، همه چیز هست؛ جز تفکر و تعقل!

۱) آی مردم! شکم پرست شدید!

وقتی به یکباره حجم زیادی از مطالب شبکه‌های اجتماعی، روی یک مسأله زوم کند، یعنی حتما خبری هست. هیچ وقت بی‌دلیل ذهنیت تعداد زیادی از افراد جامعه روی یک موضوع خاص متمرکز نمی‌شود، مگر این که با طرح نقشه قبلی بوده باشد. امسال بیش از سال‌های گذشته شاهد مطالبی در شبکه‌های اجتماعی بودیم که تلاش داشتند توجه شیعیان به فرهنگ نذری دادن در محرم و صفر را نشانه شکم‌پرستی عنوان کنند. جالب این جاست که اکثر کسانی که خام این حرف‌ها می‌شوند، از اصل و اساس و فلسفه نذر کردن بی‌خبرند و اگر پای بحث وسط کشیده شود، در همان سؤال اول (در مورد فلسفه نذر) در جا می‌زنند!

۲) بی‌ایده‌سیاسه بازی!

احتمالا علت این موضوعی که در سطرهای بعدی به آن خواهیم پرداخت این باشد که اصولا ما مردم ایران، مردمی «جوگیر» هستیم! یعنی کافی‌ست یک اتفاقی بیفتد. چنان ماهرانه همه چیز را به آن مسأله مرتبط می‌کنیم که کل کائنات انگشت تحیر به دندان بگزند! یکی از این موارد هجمه جدید جریانات فکری مسموم به نذری‌ها و کمک‌های مردمی به هیئت‌های عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ایام محرم و صفر است. این بار، طیف فکری مسمومی که اخیرا باورهای مذهبی مردم را نشانه گرفته است، راه‌حل جدیدی برای تحریک مردم پیدا کرد؛ یک راه‌حل احساسی. دستاویز جدید، چیزی نبود جز منطقه زلزله‌زده آذربایجان! از اوایل محرم امسال، با سرعتی زیاد، حجم بالایی از مطالب و مقالات مکتوب و طرح‌های گرافیکی و کاریکاتور و... در شبکه‌های اجتماعی پخش شد که همگی یک حرف را می‌زدند و آن این که بهتر است پول‌تان را به جای خرج کردن در هیئت‌ها، به مردم زلزله‌زده‌ای بدهید که در سرمای جانکاه آذربایجان، بی‌خانمان هستند. این بار حربه، حربه قوی‌ای بود.

اما پاسخی قوی‌تر داشت که بلافاصله خود مردم این پاسخ‌ها را منتشر کردند. در قدم اول، خیلی زود دست اتاق فکری که این داستان راه‌دایت می‌کرد، رو شد. عکس‌هایی که از مردم زلزله‌زده که زیر برف و بدون سرپناه مانده بودند، جعلی از آب درآمد! یعنی مشخص شد این عکس‌ها مربوط به زلزله چند سال پیش ترکیه است! این اولین مرحله آبروریزی... در قدم دوم، دولتمردان پاسخ خوبی دادند... خانه‌سازی برای تعدادی که بدون سرپناه مانده‌اند آغاز شده و نمی‌توان انتظار داشت در عرض یکی دو هفته، هم خانه‌های جدید ساخت و هم طوری خانه‌ها ساخته شوند که باز هم با زلزله بعدی، فاجعه جدیدی رخ ندهد. در این فاصله هم برای مردم آن منطقه سرپناه‌هایی موقت فراهم شده و کسی بدون جای گرم نماند.

در ثانی... اصلا این‌ها چه ربطی به هم داشتند؟!

کمک‌های مردم به هیئت‌ها براساس باورهای مذهبی و اعتقادی این مردم است و کسی مردم ما را برای کمک به مخارج هیئت‌ها مجبور نمی‌کند. بلکه این خود مردم هستند که با شور و اشتیاق بخشی از مخارج هیئت‌ها را به عهده می‌گیرند.

فکری‌های سیاسی

کیوان بالاسرای



چهره ناشناس

زهره سادات هاشمی

تاریکی شب بود و کوچه‌هایی که پی‌درپی با حضور جوانان رشید بنی‌هاشم بوی عطر می‌گرفت. پشت سر، پیش رو، دو طرفش و حلقه می‌کردند آن گوهر یکدانه زهره‌ای را، مبادا قامتش را نامحرمی ببیند! قصد زیارت پیامبر را که می‌کرد در سایه‌ای از عفاف به زیارت می‌شتافت.

سال‌ها منزلش محل رفت و آمد زنان بود. هر کس به قدر تشنگی‌اش از زلال چشمه‌اش می‌نوشت. عده‌ای فراگیر احکام، گروهی تفسیر قرآن و... همه او را به خوبی می‌شناختند.

کوفه شهر حکومتی پدرش بود. پدری که خان مهربانی‌اش گسترده بود و یتیمان که از دامن مهرش خاطره‌ها داشتند...

شهر پر از غوغا بود! همه برای تماشا صف بسته بودند!! اسیرانی آورده‌اند که بر علیه حکومت اسلامی شورش کرده‌اند. شتران بی‌جهاز را آوردند. عده‌ای زن و کودک با لباس‌هایی مندرس و کهنه، صورت‌هایی سوخته از حرارت آفتاب که سختی‌ها و گرسنگی‌ها به شدت لاغر و رنگ پریده‌شان کرده بود! کسی گمان نمی‌کرد که این‌ها عرب باشند چه رسد به ...!

زنی صدا بلند کرد: از کجا آمده‌اید ای اسیران!؟؟!

۳

مهندس معکوس برای سیاست بازی!

حالا جان می‌دهد ما هم یک ترفند مهندسی معکوس به این جریانات فکری خاص بزنیم... همین مردمی که در ایام محرم و صفر، با جان و دل هر کاری برای برپایی هیئت‌های عزاداری انجام می‌دهند، برای برطرف شدن مشکلات مردم منطقه زلزله‌زده مذکور هم کمک‌های مردمی‌شان را ارسال کردند. (هر کسی به اندازه وسع خودش) سؤال این جاست که کسانی که در شبکه‌های اجتماعی داد عدالت‌خواهی سر می‌دهند و ژست بشر دوستانه می‌گیرند... این‌ها برای مشکلات مردم زلزله‌زده چه کردند؟!

اگر این طیف سیاسی خاص، به جای این همه شعار دادن و بازی سیاسی، وارد معرکه می‌شدند و بخشی از مشکلات مردم منطقه «ورزقان» را برطرف می‌کردند، بهتر از این‌های و هوی‌های ساختگی نبود؟!

۴

چرا شما باید این مطلب را

م‌خواندید؟

شاید وقتی به این جای مطلب رسیدید، از خودتان بپرسید که چرا باید این مطلب را در مجله و در بخش مربوط به پرونده ویژه ماه صفر مطالعه می‌کردید؟!

پاسخ: موضوع پرونده ویژه این شماره، شبهه‌افکنی‌های اخیر در مورد ایام محرم و صفر بود و یکی از مسائلی که طی دو سه ماه اخیر، بیش از حد به ماه محرم و صفر نسبت داده می‌شد، مسأله زلزله اخیر آذربایجان بود که با کمک شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و توییتر و گوگل پلاس و همچنین شبکه‌های ماهواره‌ای معاند نظام، کاملاً به نماد اعتراض تبدیل شده بود.

نماد اعتراضی کاملاً ساختگی که با سیاه‌نمایی رسانه‌های مذکور، قرار بود در آستانه ماه محرم و صفر احساسات مردم را تحریک کرده و از این طریق مردم را به بی‌راهه بکشاند!

این بار هدف اعتقادات مردم بود و نه سیاست‌های مستقیم نظام. همان سلاخی که به تازگی با نواخت بیشتری روی باورهای مردم در حال شلیک است...

فراموش نکنیم این روزها باید هوشیارتر از قبل باشیم.